

# اخلاق سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

نجمه کیخا

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Najmeh\_keikha@yahoo.com

## چکیده

در نوشته حاضر گرایش‌های اخلاقی مهمی معرفی می‌شوند که در بحث اخلاق سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرند و سپس درباره مسائلی مانند اینکه اخلاق سیاسی نظام سیاسی ما چه باید باشد، کدام الگو و نظریه اخلاق سیاسی با جامعه ما سازگارتر است و چگونه باید این الگو را پیاده کرد، بحث می‌شود. برخی از این الگوها در سنت دینی، ایرانی و فلسفی ما وجود داشته‌اند و برخی حاصل مسائل و تحقیقات اخلاقی جدید است که ترجمه شده و به کشور ما نیز راه یافته‌اند. در واقع، این پژوهش سعی می‌کند نشان دهد که چگونه این دو گونه از نظریات در فضای فکری ما تأثیر نهاده‌اند و با چه ترکیبی می‌توان به نظریه اخلاقی مطلوب در نظام سیاسی دست یافت. دیدگاه مختار در این نظریه اخلاق سیاسی حرفه‌ای است که از اخلاق فضیلت‌گرا سیراب می‌شود. این نظریه بیشترین همخوانی را با سنت فکری ما دارد و همچنین، مشکلات دیدگاه سنتی را نیز برطرف می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** اخلاق سیاسی، اخلاق حرفه‌ای، اخلاق هنجاری، اخلاق فضیلت، نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران.

## ۱. مقدمه

دفاع از مظلومان و ستمدیدگان، برقراری عدالت و انصاف، آزادی، شایسته‌سالاری، مشارکت‌دادن مردم در اداره امور، انتقادپذیری و واژگان مشابه این اصطلاحات مرتب از تریبون‌های رسمی نظام سیاسی ایران مطرح می‌شود. این ادبیات در واقع اخلاق سیاسی را در جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند و نظام با چنین ادبیاتی خود را در داخل و خارج از کشور معرفی می‌کند. غالب کتب و مقالاتی که به بحث اخلاق سیاسی اختصاص یافته است، مشحون از استنادات فراوان به قرآن، نهج البلاغه، روایاتی از معصومان و بزرگان دین، فلاسفه مسلمان، عرفا و فقهای بزرگ و حتی اشعار و نوشته‌های ادبی هنرمندان مسلمان است. به‌طور خاص، بیانات امام خمینی، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و رهبر سیاسی این انقلاب، به‌عنوان منشور اخلاق سیاسی مورد تأکید و توجه قرار می‌گیرد. مشی رهبران انقلاب و بزرگان نظام سیاسی کنونی ایران همواره به‌مثابه الگوی مطلوب اخلاق سیاسی ترویج می‌شود و مفاهیمی مانند آزادی، عدالت، مردم‌سالاری و اخلاق در اندیشه و سیره آن‌ها واکاوی می‌شود.

تصور بر این است که در نظام جمهوری اسلامی ایران، شاهد رواج مناسبات اخلاقی و عادلانه فراوان، به‌ویژه در سطح مسئولان سیاسی نظام باشیم. گرچه توسط معصومین اداره نمی‌شویم و هیچ‌گاه انتظار نداریم تمامی تصمیم‌گیرندگان و مجریان نظام صددرصد اخلاقی عمل کنند، به‌طور کلی انتظار داریم که تصور کلی و عمومی افراد جامعه از عملکرد کارکنان آن مثبت باشد. امام خمینی (رحمة الله علیه) خطاب به مردم می‌گفت همیشه نسبت به مسئولان خوش‌گمان باشید و اصل را بر خوب بودن آن‌ها قرار دهید مگر اینکه خلاف آن ثابت شود، اما به‌نظر می‌رسد اکنون عکس این قضیه اتفاق افتاده است؛ یعنی اصل بر بد بودن مسئولان است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. تحلیل دلایل این امر مهم است؛ چرا اخلاق سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با پشتوانه بزرگ علوم حوزوی و فرهنگ اخلاقی ایرانیان کارنامه مطلوبی ندارد؟

علاوه بر ناکامی در عرضه اخلاق سیاسی مطلوب از سوی مسئولان نظام، نوعی اغتشاش و سردرگمی فکری نیز مسئله‌ساز شده است. امروزه بازار ترجمه مباحث اخلاق و نگارش این کتب داغ است و پژوهش‌های اندیشمندان غیرمسلمان نیز بر شمار مباحث سنتی این مسائل افزوده است. توسعه در زمینه فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق سبب ایجاد بحث‌های جدیدی شده است که نیازمند ارزیابی و گزینش میان نظریات گوناگون است. اخلاق سیاسی در هر یک از نظریات اخلاق و وظیفه‌گرا، فضیلت‌گرا و سودگرا به‌گونه‌ای معنا شده است. نیاز است تا فلسفه اخلاق و

سیاست اسلامی به این چالش‌ها پاسخ گوید. در خود اخلاق سیاسی بحث دست‌های آلوده به‌نوعی، چالشی میان اصول اخلاق و رویدادها و مصالح متغیر جامعه ایجاد کرده است (Walser, 1973: pp 160-180). اینکه چقدر باید بر اصول اخلاقی استوار ماند؟ مصالحی که با اصول کلی در تضاد قرار می‌گیرد را چگونه باید تدبیر کرد؟ اصلاً این مباحث به یک دوگانگی بزرگ‌تر میان اخلاق و سیاست بازمی‌گردد که چگونه می‌توان امر سیاسی را با امر اخلاقی همراه کرد و اصلاً چنین کاری الزامی است یا نه؟ روشن است که برخی دیدگاه‌های واقع‌گرایانه در غرب بر همراهی این دو با هم اصراری ندارند، اما تکلیف اخلاق و سیاست اسلامی در این میان چیست؟ نحوه برخورد با شهروندان جامعه از مسائل بزرگ اخلاق سیاسی است؛ برای نمونه، در مواقع تراحم اولویت با امنیت است یا آزادی؟ امنیت مرجح است یا شادی؟ آیا تبعیض مثبت پذیرفتنی است؟ پژوهش حاضر با توجه به مطالب ذکرشده، به تحلیل نظریات اخلاقی مطرح در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. نخست به نظریه‌ای که در جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دیدگاه برگزیده مطرح است اشاره می‌شود که همان دیدگاه امام خمینی (رحمة‌الله علیه) است و سپس از نظریات اخلاقی جدیدی که مورد اقبال گروه‌های مختلف قرار گرفته است بحث می‌شود. این نظریات در دو گروه نظریات اخلاق هنجاری و اخلاق کاربردی قرار می‌گیرد. اخلاق کاربردی نیز به اخلاق حرفه‌ای و سازمانی می‌پردازد. نظریه مختار نویسنده، تلفیقی از دیدگاه امام خمینی، به‌عنوان یک نظریه فضیلت‌گرا، و اخلاق حرفه‌ای است. این تلفیق ضمن اینکه مشکلات اخلاقی موجود در سطح سیاست را تا حدی کاهش می‌دهد، سبب می‌شود از ظرفیت‌های اخلاق فضیلت‌گرای اسلامی بیش از دوره کنونی استفاده شود. مکاتب و مباحث یادشده، نیاز به توضیح و تحلیل فراوان دارد که در این مجال فرصت بسط آن نیست و نگارنده خوانندگان را به آثاری که قبلاً در این زمینه منتشر کرده است ارجاع می‌دهد (کیخا، ۱۳۹۶؛ همو، ۱۳۹۷).

بر این اساس، در پژوهش حاضر سه مبحث به اختصار مورد توجه قرار گرفته است: نخست، مکتب اخلاقی امام خمینی به‌عنوان اخلاق سیاسی مطلوب و نظریه اخلاقی نظام سیاسی مطرح می‌شود؛ دوم، دیدگاه جامعه دانشگاهی در باب اخلاق سیاسی است که ذیل سه مکتب وظیفه‌گرایی، فضیلت‌گرایی و سودگرایی و نیز مباحث اخلاق کاربردی، اخلاق حرفه‌ای و اخلاق سازمانی بحث می‌شود و سوم، رهیافت پیشنهادی نویسنده است که بین اخلاق حرفه‌ای و کاربردی و مکاتب اخلاق فضیلت‌گرایانه ارتباط برقرار می‌کند و تلفیقی از دیدگاه‌های امام خمینی و دیدگاه دانشگاهی است.

## ۲. سنت اخلاق سیاسی در ایران

بحث اخلاق سیاسی در قرآن و سنت، فلسفه سیاسی و سیاست‌نامه‌ها و اندرزنامه‌ها مورد تأکید فراوان است. پس از قرآن، که مهم‌ترین منبع و الهام‌بخش مسلمانان در این زمینه بوده است و سیره پیامبر اکرم در برخورد با شهروندان و مخالفان، نهج‌البلاغه مهم‌ترین منبع مسلمانان در فهم اخلاق سیاسی است. نامه امام علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر سندی مهم در این زمینه محسوب می‌شود و در طول تاریخ اسلامی اغلب نویسندگان بزرگ در تبیین اخلاق سیاستمداران بدان اشاره کرده‌اند؛ اوج این جریان نیز در زمان صفویه اتفاق افتاده است که این نامه در پایان یا شروع کتب آنان ضمیمه شده است. مجموعه‌های حدیثی که به نقل روایات ائمه پرداخته‌اند نیز منبعی مهم برای دریافت دیدگاه معصومان از اخلاق سیاسی است.

اندرزنامه و سیاست‌نامه‌ها منبع مهم دیگر اخلاق سیاسی است و حتی می‌توان گفت این کتب به‌طور عام و خاص به اخلاق سیاسی پرداخته‌اند. چنان‌که از واژه اندرزنامه یا پندنامه برمی‌آید، این کتب به نصیحت اخلاقی می‌پرداختند، حاکمان نیز مورد خطاب این کتب بوده‌اند. حفظ قدرت سیاسی موجود و تدبیر مخالفان مهم‌ترین محور این کتب است. سیاست‌نامه‌خواجیه نظام‌الملک طوسی، میزان‌الملوک و سیرالملوک کشفی و روضه‌الانوار محقق سبزواری از جمله سیاست‌نامه‌های مشهور است.

منبع مهم دیگر در زمینه اخلاق سیاسی، فلسفه سیاسی است. مهم‌ترین فیلسوف سیاسی در این زمینه فارابی است. پس از فارابی، مسکویه رازی، ابن عامری و خواجه نصیرالدین طوسی بیشترین تأکید را در این زمینه داشته‌اند. مسکویه از دانشی به نام اخلاق مدنی سخن می‌گوید و خواجه نصیر هم‌سخن با مسکویه، بحث محبت را در کنار عدالت وارد می‌کند. با فلسفه صدرایی و بحث از حرکت جوهری ارادی در انسان، نوع تازه‌ای از اخلاق مطرح می‌شود که قائل به دامنه تغییر وسیع‌تری در انسان و جامعه است و با پررنگ‌شدن نقش مردم در حکومت‌داری در دوره معاصر و اهمیت یافتن حکومت‌های مردم‌سالار، اخلاق سیاسی از پرداختن صرف به تصمیم‌گیران سیاسی به سمت تدبیر رابطه حاکمان و مردم گرایش یافت. در دوره حاضر مردم‌داری به اندازه حکومت‌داری و کشورداری اهمیت یافته است. امام خمینی در کتب و سخنرانی‌های خود به ارائه چنین بحث‌هایی می‌پردازد. بحث از نسبت سنت و تجدد که دوگانه بزرگ و چالش برانگیز تاریخ معاصر ایران است، تأثیرات خود را بر اخلاق سیاسی نیز نهاده است. در صد سال اخیر دانش‌های جدیدی در زمینه علوم انسانی در ایران تأسیس شد. علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت، فلسفه، ادبیات و اقتصاد از جمله این دانش‌هاست. این دانش‌ها گرچه در مواردی

از میراث قدیم بهره می‌برد، مطابق علوم انسانی جدید و با دغدغه‌ها و پرسش‌ها و اهداف جدیدی پا به میدان گذاشتند. هر یک از این دانش‌ها نیز از منظر خود به اخلاق نگریسته‌اند. در کنار این دانش‌های نوظهور، دانش اخلاق با سبک و سیاق قدیمی در حوزه‌های علمیه تداوم یافت. اخلاق سنتی در کنار عرفان، همچنان بر شیوه‌های سیر و سلوک و تهذیب نفس و برشمردن فضایل و رذایل می‌پردازد و دانش‌های جدید هر یک به وجهی از اخلاقی زیستن در جامعه اشاره می‌کنند. جامعه‌شناسی از هنجارهای موردپسند جامعه و شیوه‌های جامعه‌پذیرکردن افراد می‌گوید. اقتصاد از اخلاق اقتصادی بحث می‌کند و از سود و زیان مبتنی بر بازار می‌گوید؛ روان‌شناسی بخش زیادی از وظایف اخلاق سنتی را عهده‌دار شده است و براساس ویژگی‌های روانی و رشد عاطفی و اجتماعی افراد به ارائه راه‌حل مشکلات رفتاری انسان‌ها اقدام می‌کند. دانشی به نام فلسفه اخلاق تأسیس شده است و به اخلاق توصیفی، اخلاق هنجاری و فرااخلاق می‌پردازد. می‌توان گفت بحث از اخلاق سیاسی نوپدید است. اگر در گذشته عمدتاً در قالب سیاست‌نامه و از جنبه‌ای ارشادی به این مبحث نگریسته می‌شد، اکنون چنین نیست. قانون اساسی، مشارکت فعالانه مردم در اداره امور، نظارت سازمانی و مردمی، رسانه‌ها و قوه قضاییه کارآمد همه از مواردی هستند که حاکمان جامعه را کنترل می‌کند. امروزه همان اندازه که کنترل درونی و تقوا و عدالت فردی مهم است، کنترل، نظارت و عدالت نهادی، بیرونی و سازمانی هم اهمیت یافته است؛ بنابراین، اگر بحثی بخواهد در باب اخلاق سیاسی صورت گیرد باید تمامی این جنبه‌ها را در نظر داشته باشد.

### ۳. اخلاق سیاسی امام خمینی

انتخاب نظرهای امام خمینی در باب اخلاق سیاسی از این رو است که وی نماینده و چکیده اندیشه‌های اسلامی و فلسفی اسلام در بعد عمل و نظر در دوره کنونی است. مباحث اخلاقی امام خمینی در کتاب شرح چهل حدیث و شرح جنود عقل و جهل طرح شده است، اما مباحثی که به طور خاص به اخلاق سیاسی می‌پردازد در سخنرانی‌های مختلف وی در دوران هشت ساله رهبری نظام سیاسی قابل پی‌جویی است. براساس آثار مختلفی که بیان شد می‌توان گفت این اخلاق دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. از نظر امام خمینی (رحمة الله علیه) میان اعتقاد و باور فرد و اخلاق و افعال او ارتباط مستقیمی است و این سه بر هم تأثیر می‌نهند. نمی‌توان اخلاقی بود اما به باید‌ها و نباید‌های شرعی و قانونی توجه نکرد. برای اخلاقی بودن باید در هر سه حوزه عقیده، اخلاق و عمل

- کوشا بود (امام خمینی، ۱۳۷۱: ص ۳۹۰). این سه بر هم تأثیر دارد. انجام درست عمل بر عقیده انسان و اخلاقی تر شدن او تأثیر می‌نهد و بالعکس.
۲. اعتقاد بر این است که انسان نیازمند موعظه و نصیحت است و حتماً باید برنامه‌ای برای تذکر و یادآوری و نصیحت مرتب و منظم وجود داشته باشد. این امر در باب مسئولان نظام سیاسی نیز صادق است. هیچ‌کس از موعظه بی‌نیاز نیست و موعظه بر عملکرد بهتر و اصلاح انسان تأثیر می‌نهد؛ در واقع، فرض بر این است که انسان در یک جنگ درونی میان قوای نفس خویش است و حال انسان در معرض تغییر است. اخلاق سعی می‌کند حالتی پایدار در فرد ایجاد کند و این کار با حاکم کردن عقل و ایجاد موازنه و تعادل میان قوا صورت می‌گیرد. همچنین، موعظه کمک می‌کند به افراط و تفریط گرایش نیابیم.
۳. همه افراد نیازمند توصیه و نصیحت‌اند، از جمله مسئولان نظام. نوع توصیه اخلاقی به مدیران تاحدی مشترک با دیگر اقشار است، اما در وجوهی نیز متفاوت است؛ زیرا صاحبان حقوق متفاوت هستند. بیشترین توصیه به مسئولان در قبال مردم است که صاحبان اصلی حقوق در مقابل مسئولان و کارگزاران سیاسی‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۸: ص ۳۰۸).
۴. داشتن انگیزه الهی و انگیزه خدمت بحث مهمی در اندیشه‌های اسلامی است. کارها باید برای رضایت الهی انجام شود. خداوند در صورتی از یک کارگزار سیاسی راضی است که کارهایش با انگیزه خدمت صورت گرفته باشد و مردم از او راضی باشند؛ قیام لله باشد، نه لئفیس (همان، ج ۱۸: صص ۴۴۴ و ۱۰۱).
۵. بحث محبت با مردم مهم‌تر از رفع مسئولیت صرف است (همان، ج ۱۹: ص ۴۰۹).
۶. لزوم تزکیه و تصفیه قلب برای مسئولان بسیار جدی است (همان، ج ۱۸: ص ۴۹۹).
۷. اصل بر عمل به تکلیف و خودسازی است و سود و نتیجه در ادامه خواهد آمد، اما سود نباید در اولویت قرار بگیرد (همان، ج ۱۹: ص ۲۲۱).
۸. ارائه سنجه‌هایی از سوی امام خمینی برای اینکه کارگزاران خودشان را بیازمایند، مانند عدم توهین و افترا و خشم و عصبانیت، انتقادپذیری و عدم تحریب، اینکه به راحتی حاضر شوند کار خود را به فردی که بهتر انجام می‌دهد بسپارند، خود را جای کسانی که از آن‌ها انتقاد می‌کنند بگذارند (همان، ج ۱۸: صص ۳۱۱، ۳۳۶، ۴۶۶؛ ج ۱۹: صص ۴۴۷ و ۸۵).
۹. بحث برادری و وحدت مقدم است. برادری ویژگی‌ها و نتایج متفاوتی دارد (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱: صص ۱۸۰-۱۷۶).

۱۰. استناد به نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر به عنوان مهم ترین سند اخلاق سیاسی: عدم اعتنا به قدرت سیاسی، عدالت ورزی، ساده زیستی و قناعت، عدم اعتماد به حسودان و تنگ نظران و غیره (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۸: صص ۴۷۱ و ۴۹۹).
۱۱. ساده زیستی مسئولان و عدم اعتنا به دنیا و اینکه خود را همپای بی بضاعت ترین افراد قرار دهند (همان: صص ۳۳۶ و ۳۶۷).

چنان که مشخص است، دیدگاه اخلاق گرایانه امام خمینی در عین اینکه بر عنصر خودسازی و تهذیب فردی کارگزاران سیاسی تأکید می کند، برای عمل به تکلیف الهی و شغلی آن ها نیز اهمیت قائل است و با توجه به اینکه عنصر رضایت مردم از مسئولان را در موفقیت آن ها و نشان دادن پاسخ گویی آن ها مؤثر می داند، نسبت به عنصر سود نیز بی تفاوت نیست. این اخلاق چنان که گفته شد، از فلسفه اسلامی و سنت های کشورداری اسلامی، مانند آنچه در سیره امام علی و پیامبر اکرم وجود داشته است، بهره می گیرد و می کوشد با تأکید افزون تر بر عنصر خودسازی فردی، اخلاق سیاسی جامعه را سامان دهد.

#### ۴. اخلاق سیاسی در مراکز دانشگاهی

##### ۴-۱. مکاتب اخلاق هنجاری

منظور از اخلاق در مراکز دانشگاهی اشاره به مباحثی در باب اخلاق است که در اخلاق دینی و فلسفی ایرانی و اسلامی مطرح نشده است و از سوی مراکز دانشگاهی و غیرایرانی در فضای داخل کشور راه یافته است. البته این مطلب به این معنا نیست که مباحث یادشده هیچ جای پای در مطالب سنتی ما ندارد و مطالبی کاملاً بدیع و نوظهور باشند؛ در واقع می توان گفت این عناصر به شکل ضمنی در مطالعات اخلاقی حضور داشته است، اما اکنون درجه اهمیت، اولویت و نحوه پردازش آن ها متفاوت شده است و در عرصه سیاست گذاری های حکومت نیز راه یافته است. برای نمونه برخی حکومت ها مبنای فایده گرایی و برخی اختیارگرایی را به عنوان نظریه اخلاقی خود اتخاذ کرده اند. با توجه به رواج وسیع این نظریات و ترجمه این متون در داخل کشور نیاز به اتخاذ موضع ما در برابر این نظریات اهمیت اساسی دارد. مطالعه، بررسی و تحلیل این نظریات در رشته های اخلاق و فلسفه داخل کشور به طور وسیعی انجام می شود اما در سطح سیاست گذاری های نظام، تکلیف ما مشخص نیست.

مهم ترین مکاتب اخلاق هنجاری عبارت اند از اخلاق فایده گرا، فضیلت گرا و تکلیف گرا که

بخش مهمی از بحث اخلاق سیاسی را به خود اختصاص داده است (ریچلز، ۱۳۸۸: ص ۱۰). در ادامه نیز چند نکته قابل تأمل وجود دارد:

۱. در جمهوری اسلامی تأکید اصلی بر فضیلت‌گرایی است که با آموزه‌های دینی، فلسفی و فرهنگی ما سازگارتر است، اما نمی‌توان وجود مضامین فایده‌گرا و تکلیف‌گرا در این آموزه‌ها را کتمان کرد؛ در واقع این سه همراه یکدیگرند و از هم جدا نیستند. تنها تعیین نوع مناسبات و اولویت‌بندی آن‌هاست که در هر جا متفاوت است. در کشورهایی با ایدئولوژی مکتبی، بحث فضیلت‌گرایی در اولویت است.

۲. گرچه محورهای مفهومی و ماهوی این سه مکتب مشخص و معین است، در همه جوامع یکسان فهمیده نمی‌شود. تکلیف‌گرایی بدین معناست که در انجام عمل اخلاقی، هیچ ملاحظه‌ای به جز انگیزه تکلیف به میان نیاید، اما در اسلام این انگیزه مکتبی همان رضایت الهی است و در مکتب کانت مراد فهم امر مطلق است؛ بدان‌گونه که کرامت انسان را محفوظ بدارد و بتوان آن را به‌صورت امری جهان‌روا توصیه کرد. فضیلت‌گرایی و فایده‌گرایی نیز همین‌گونه است. فضیلت‌گرایی تأکید زیادی بر فضایل فردی می‌کند، اما آنگاه که به عدالت در سطح اجتماع می‌پردازد، محتوای اخلاق بین‌شخصی را مبهم رها می‌کند (نیگل، ۱۳۹۳: ص ۴۶).

۳. باید نسبت فضیلت‌گرایی، فایده‌گرایی و تکلیف‌گرایی را با یکدیگر معین کرد، اما برای جامعه ما مهم‌تر این است که بحث فضیلت‌گرایی را به‌خوبی تئوریزه کنیم. انجام این کار جایگاه سودگرایی و تکلیف‌گرایی را نیز نشان خواهد داد.

#### ۲-۴. اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای

اخلاق سیاسی به معنای اخلاقی که به حوزه سیاست مربوط می‌شود، امروزه در حوزه‌هایی مانند اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌گیرد. اگر به‌جای تعیین درستی و نادرستی امور در کلی‌ترین حالات، تشخیص رفتارهای اخلاقی در حیطه‌های خاص را دنبال کنیم، درگیر اخلاق کاربردی شده‌ایم. بر این اساس، اخلاق کاربردی در پی یافتن قواعدی خاص‌تر از قواعد عام اخلاقی است که در شرایط ویژه و موضوعات و موارد مشخص‌تر کاربرد داشته باشند. اخلاق کاربردی درصدد است تا کاربرد منطقی نظریه اخلاقی را در حوزه مسائل اخلاقی خاصی مانند سیاست، محیط زیست، پزشکی و غیره نشان دهد، بر معضلات و کانون‌های بحران اخلاقی



تکیه کند، به جزئیات و زمینه‌ها توجه کند و به دنبال راه‌حل‌های عملی باشد (اسلامی، دبیری و علیزاده، ۱۳۸۶: ص ۴۵).

شناسایی هنجارها، حل مشکلات و ارزیابی عملکردها در مجموع سه وظیفه اصلی اخلاق کاربردی است. بر این اساس، علاوه بر شناخت نظریات و مفاهیم اخلاقی باید از تخصص لازم در زمینه موضوع نیز برخوردار بود (خزایی، ۱۳۸۶: صص ۲۰۴-۱۷۵).

اخلاق کاربردی سعی می‌کند در هر حوزه‌ای که وارد می‌شود مسائل و معضلات خاص آن حوزه را مورد بررسی قرار دهد. برای انجام چنین کاری دو نوع آگاهی نیاز است: نخست آگاهی از مسائل و مشکلات موجود که حاصل تجربه و آگاهی کامل از واقعیت است و سپس آشنایی با قواعد و اصول اخلاقی برای حل معضلات خاص؛ بنابراین، اخلاق کاربردی نوعی دانش تخصصی برای حل مسائل و مشکلات در شرایط و موقعیت‌های گوناگون است. از این حیث می‌توان گفت اخلاق کاربردی ابزاری مهم و حساس برای تصمیم‌گیرندگان محسوب می‌شود.

ازسوی دیگر، اخلاق حرفه‌ای هم وجود دارد که شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است و مسئولیت‌های اخلاقی در هر حرفه را به‌طور نظام‌مند بیان می‌کند. اخلاق حرفه‌ای بر مهارت تأکید می‌کند؛ مهارت همان سلوکی است که با مکمل‌های رفتاری و سیاسی تکمیل می‌شود (خزایی، ۱۳۸۶: ص ۸۹) و متناسب با کار است که توسط این دانش به تشخیص دقیق و حل اثربخش مسائل اخلاق در هر حرفه پردازد. در گذشته تنها بر مسئولیت اخلاقی افراد در شغل آن‌ها پرداخته می‌شد، اما امروزه به سازمان‌ها و نهادها توجه بیشتری می‌شود و نگرش سیستمی کاربرد زیادی یافته است.

در مطالعات سنتی معمولاً توصیه‌هایی اخلاقی به حاکمان در باب تدبیر خویشتن و اطرافیان و نحوه رفتار با رعیت می‌شد. امروزه به همان میزان که بر رفتار کارگزاران و مسئولان تأکید می‌شود، به اخلاق کارگزاران سیاسی در سازمان‌های سیاسی و یا اخلاقی، که بر یک سازمان سیاسی حاکم است، توجه می‌شود. در کنار آن مباحث اخلاق شهروندی نیز اهمیت یافته است. می‌توان گفت اخلاق مربوط به سیاستمداران و شاغلان امر سیاسی در دانشی به نام اخلاق حرفه‌ای بحث می‌شود، اما پرداختن به مسائل عرصه سیاست که به مردم و حاکمان مرتبط است، در اخلاق کاربردی مورد توجه قرار می‌گیرد. اخلاق حرفه‌ای یک شاخه در اخلاق کاربردی است که به مسائل خاص یک حرفه می‌پردازد. نامه امام علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر، بحثی در حوزه اخلاق حرفه‌ای است که به مالک می‌گوید در شغلی که عهده‌دار شده است چه باید‌ها و نباید‌هایی را رعایت

کند. سیاست‌نامه‌ها اغلب به بحث اخلاق حرفه‌ای سیاست پرداخته‌اند. خواجه نظام‌الملک به شاه سلجوقی می‌آموزد که در موقعیت‌های گوناگون چه رفتاری در ارتباط با اقشار مختلف داشته باشد.

#### ۴-۲-۱. ضرورت نیاز به اخلاق حرفه‌ای

اخلاق در بهترین حالت و تعریف خود امری است اختیاری و وجدانی که زیبایی آن نیز به خاطر غیراجباری بودن آن است. اینکه فردی با اراده و اختیار خود از حق و ویژه خود بگذرد و از دیگری دستگیری کند، همان هدف اساسی اخلاق است که با محبت و ایثار تعالی یافته و گستره وجودی انسان را وسعت بخشیده است. اما نمی‌توان به این خصایص انسانی لباس قانون پوشاند. همچنین، نمی‌توان با اجبار از فرد خواست که ملتزم به اخلاق باشد. نهایت چیزی که از افراد خواسته می‌شود در قالب قوانین و آیین‌نامه‌های داخلی سازمان‌هاست. این امر زمانی مشکل‌ساز می‌شود که برای برخی مشاغل نیاز زیادی به تعهدات اخلاقی و وجدانی دارید. در این موارد به سابقه فرد، گواهی شاهدان و قول و فعل همان فرد اکتفا می‌شود؛ درحالی‌که افراد می‌توانند تا حد زیادی حقیقت را کتمان کنند یا نفاق و ریا در کارشان باشد. بحث از رابطه اخلاق و قانون درازدامن است و مباحث زیادی حول آن درگرفته است. هنوز در کشورهایی مانند انگلستان و امریکا حقوق کیفری تلاش‌هایی برای الزام و اجبار اخلاق هستند (هارت، ۱۳۹۷: صص ۴۹-۲۹). امروزه مراجع سنتی اخلاق مانند دین و فلسفه همچون گذشته توان ارائه احکام جهان‌شمول را ندارند؛ علاوه بر آن، مراجع سنتی بخش خاصی از جمعیت با مذهب یا قومیت و تفکر خاص را پوشش می‌دهند و محدود به گروهی بسته می‌شوند (محمودیان، ۱۳۸۰: صص ۱۶ و ۱۷). درحالی‌که تنوع اقلیت‌ها و قومیت‌ها در کشورها بسیار زیاد است.

مشکل دیگر این است که اخلاق دارای درجاتی است و مسائل اخلاقی نیز دارای سطوح گوناگون است که فهم و تفسیر آن‌ها را نمی‌توان به افراد واگذار کرد. درک هر انسانی از اخلاقی بودن خاص خود او است. هر کس درجه‌ای از تعهد اخلاقی را در حرفه خود کافی می‌داند که شاید واقعاً در حد قابل قبول آن نباشد و بر همین اساس هم به فضاوت اخلاقی، ممیزی افراد، اعتماد یا عدم اعتماد و غیره مبادرت می‌کند؛ بنابراین، مشکلاتی ایجاد می‌شود مانند اینکه برخی افراد که مقامات بالای سیاسی دارند دست به اعمالی می‌زنند که خارج از انتظار است؛ دچار فساد اخلاقی در قالب فساد مالی، رانت‌خواری، ویژه‌خواری، فامیل‌بازی و شکستن شایسته‌سالاری و غیره می‌شود. برخی افراد براساس سلیقه خود دست به گزینش و ممیزی می‌زنند. برخی افراد در جایگاه مسئولیتی خود

حقوق مردم را به خوبی مراعات نمی‌کنند و پرداختن به برخی کارهای تبلیغی و شعاری را بسیار با اهمیت‌تر می‌دانند و برخی عمل به ظواهر اخلاقی و شرعی را مهم‌تر از پرداختن به کار و حرفه خود می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که به‌خاطر دفاع آن شخص از انقلاب و نظام برخی خواستار ابقای آن در مسئولیتش هستند، در حالی که صاحبان حقوق از عملکرد وی ناراضی‌اند.

به‌نظر می‌رسد در این موارد نمی‌توان تنها به اخلاق فردی و شخصی تکیه کرد و باید ضوابط محکم‌تری را حاکم کرد که ضمن رعایت اخلاق شرعی و عرفی جامعه، مسئولیت‌های اخلاقی مربوط به شغل فرد نیز به او گوشزد شود و بداند در مواقع دوراهی و تزاخم اصول مختلف چه کند. این اخلاق همان اخلاق حرفه‌ای است؛ اخلاق حرفه‌ای مسئولیت‌های فرد را در قبال افراد هم‌رده، در قبال رده‌های بالاتر و پایین‌تر، مسئولان سازمان و افراد و نهادهای خارج از سازمان مشخص می‌کند. افراد ملزم هستند به این منشور اخلاقی عمل کنند و براساس آن می‌توان افراد را سنجید و مورد قضاوت قرار داد.

درواقع در اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای سیاسی، اخلاق همان‌گونه که وصفی برای افراد است، به‌عنوان وصف نهاد سیاسی درمی‌آید. تفاوتی که ایجاد می‌شود در این است که در اخلاق حرفه‌ای بر رعایت حقوق افراد تأکید می‌شود. اخلاق فردی معمول همان حالت درونی و ملکه نفسانی را توصیه می‌کند، اما رفتار ارتباطی به رفتار ارتباطی درون‌شخصی و بین‌شخصی مبتنی بر رعایت حقوق طرف ارتباط تعریف می‌شود (قراملکی، ۱۳۹۷: ص ۱۲۲). در اخلاق کاربردی با این نوع اخلاق مواجه هستیم. عدم توجه به این تمایز آسیب‌های فراوانی بر جای می‌نهد. می‌توان گفت وقتی اخلاق امری خصوصی و حالتی شخصی در نظر گرفته شود که ضمانت اجرای آن وجدانی و فردی است، نمی‌توان از یک فرد خواست تا رفتارهای خاص اخلاقی نشان دهد؛ به‌ویژه با تلاقی این بحث با مباحثی همچون ریا، نفاق، زهد و غیره درخواست رفتارهای مشخص اخلاق فردی با مشکلاتی مواجه است؛ اما در نظر نگرفتن چنین خواسته‌هایی نیز آسیب‌زننده است و ممکن است حداقل‌های اخلاقی نیز مراعات نشود. رهبر جامعه، در یکی از خطبه‌های نماز جمعه به این امر اشاره کرد که ما به موازات پیشرفت علم و سیاست، در معنویت و تزکیه اخلاق پیشرفت نکردیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۰). از نظر وی، برخی بزرگان با شنیدن یک خبر دروغ خیلی زود تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند و موضع نابه‌جایی را اعلام می‌کنند که زحمات بسیاری از مسئولان زحمتکش و مخلص نظام را زیر سؤال می‌برد. اعلام سخن و موضع باید از علم و پشتوانه محکمی برخوردار باشد که در قرآن از آن به‌عنوان «قول سدید» یاد شده است. هرگونه هتک حرمت و رفتارهای غیراخلاقی

و توهین‌آمیز خلاف شرع، مخالف عقل سیاسی و ضربه به جمهوری اسلامی است که خداوند را خشمگین می‌کند. بهره‌بردن از ثمرات اخلاق در موقعیت‌های سیاسی می‌تواند توسط اخلاق حرفه‌ای بیشتر تضمین شود.

یکی از اولین کمیسیون‌های اخلاق حرفه‌ای در نهاد مرکزی نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها قرار دارد که ذیل مرکز هم‌اندیشی اساتید فعالیت می‌کند. در این مرکز گفت‌وگوهای اخلاقی بین هیئت‌های علمی وزارتخانه‌های آموزش عالی و بهداشت و درمان و آموزش بهداشت و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری صورت می‌گیرد که این امر با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام می‌پذیرد. گروه اخلاق حرفه‌ای دانشگاه تهران مورد دیگری است که در وزارت علوم به‌عنوان یک شاخص مطرح است. این گروه به همت دکتر قراملکی، طی چندین سال، کار خود را آغاز کرده است. سه نهاد در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (مرکز تحقیقات حقوق و اخلاق پزشکی، مرکز تحقیقات تاریخ و اخلاق پزشکی اسلامی، کمیته پژوهش‌های اخلاقی پزشکی) و سه مورد هم در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قابل ذکر است. در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، مرکز تحقیقات حقوق و اخلاق پزشکی دایر شده است. در دانشگاه علوم پزشکی تهران، مرکز تحقیقات تاریخ و اخلاق پزشکی اسلامی هست و در سطح خود وزارتخانه کمیته پژوهش‌های اخلاق پزشکی وجود دارد (میرخلیلی، ۱۳۹۷: صص ۱۲۱ و ۱۲۲). این موارد اولین تجربیات ما از اخلاق حرفه‌ای در ایران است.

## ۵. دیدگاه مختار

اخلاق سیاسی ایرانی و اسلامی، که در نظام جمهوری اسلامی نیز از سوی رهبران نظام مورد تأکید قرار گرفته است، نوعی از اخلاق فضیلت‌گراست. اخلاق فضیلت‌گرای یکی از شاخه‌های اخلاق هنجاری است. این شاخه از اخلاق امروزه در کشورهای اروپایی با عنوان نوفضیلت‌گرایی مطرح است و طرفداران زیادی را نیز به خود جلب کرده است. اخلاق فضیلت‌گرا در آموزه‌های اسلامی نیز دچار تحولاتی شده است که از جمله این تحولات می‌توان به گذار از نقش اصلی رئیس‌مدینه یا حاکم جامعه به‌سوی تعیین‌کننده‌بودن نقش مردم اشاره کرد. این تحول در اندیشه امام خمینی نیز صورت گرفته است. وی رضایت خداوند از کارگزاران سیاسی جامعه را در گرو رضایت مردم از آنان می‌داند و این تحول بسیار مهمی است. به‌نظر می‌رسد فضیلت‌گرایی همان نظریه‌ای است که می‌توانیم امروزه به‌عنوان پایه اخلاق سیاسی خودمان مطرح کنیم. با این مقدمه که حتماً باید

عناصر آن با شرایط امروزی جامعه تطبیق داده شود و حک و اصلاح شود. چنان‌که امام خمینی نیز چنین کاری انجام داد.

اخلاق حرفه‌ای برای ارائه راه‌حل و تدوین منشور اخلاقی به یک مبنا نیاز دارد؛ می‌توان از زاویه فایده‌گرایی به اخلاق حرفه‌ای نزدیک شد و اولویت در حل مسئله بر بیشینه‌کردن سود برای بیشترین تعداد ممکن از انسان‌ها باشد و یا می‌توان اولویت‌های اخلاق فضیلت‌گرا یا اختیارگرایی را ترجیح داد. از این حیث، می‌توان گفت اخلاق حرفه‌ای ابزاری مفید برای اخلاقی‌زیستن نهادها و سازمان‌ها مطابق الگوهایی است که ما برگزیده‌ایم. با نگاه فضیلت‌گرایانه به اخلاق حرفه‌ای، همان اندازه که بر حقوق طرفین تأکید می‌شود، پرورش منش‌ها و فضایل اخلاقی افراد اهمیت می‌یابد. همان‌گونه که در ادبیات فقهی ما، عدالت شخص قاضی با عدالت امام جماعت تمایزاتی می‌یابد، فضایل و یا عدالت در هر یک از مشاغل با هم تفاوت دارد: در مشاغل حقوقی، عدالت؛ در تعلیم و تربیت، رشد انسان؛ در مددکاری اجتماعی، رفاه و در پزشکی، سلامت مهم‌ترین ارزش محسوب می‌شود. اخلاق سیاسی نیز از این قاعده مستثنا نیست و براساس ایدئولوژی نظام سیاسی می‌تواند بر عدالت اجتماعی، آزادی، رفاه و یا سعادت دنیوی و اخروی مردم تأکید کند. اخلاق فضیلت تأکید می‌کند که به‌جای اینکه تنها به کسب موفقیت کاری بیندیشیم، سودای خدمت هم داشته باشیم. همچنین، اخلاق فضیلت با بهره‌مندی از عنصر غایت‌گرایی، تنها پول را معیار موفقیت نمی‌بیند و اهدافی اخلاقی و انسانی برای حرفه مشخص می‌کند (خزایی، ۱۳۸۶: صص ۹۳-۹۲).

علاوه بر اقدام یادشده، به دلیل مشکلاتی که در اخلاق فضیلت‌گرای فردی پیش می‌آید و کنترل و نظارت تضمین‌شده‌ای ندارد، باید گذاری به اخلاق حرفه‌ای صورت گیرد و منشوری برای اخلاق سیاسی نظام نوشته شود و کمیته‌هایی برای حل مسائل اخلاق سیاسی تشکیل شود. این کمیته‌ها از متخصصان اخلاق، عالمان علوم سیاسی، کارگزاران نظام سیاسی و افرادی که به‌طور خاص درگیر مسئله شده‌اند تشکیل می‌شود و به برشمردن مهم‌ترین مسائل اخلاق سیاسی و پیشنهاد راه‌حل‌هایی در این زمینه اقدام می‌کنند. در حال حاضر برخورد تخصصی و کارشناسانه‌ای با معضلات اخلاقی سیاست نمی‌شود.

در تدوین منشور اخلاقی سیاست می‌توان از مباحث خوبی که تاکنون طرح شده است استفاده کرد. برخی از این مطالب در صحبت‌های رهبری جامعه نیز مطرح شده است. بحث تقوای سیاسی، صداقت و ساده‌زیستی از این موارد است. از مزایای اخلاق حرفه‌ای این است که می‌توان محتوای آن را براساس ارزش‌ها و منابع اخلاقی جامعه تنظیم کرد. بر این اساس، وجود محتوای

غنی اخلاق سیاسی در ایران باستان و دوره اسلامی می‌تواند در تهیه یک منشور اخلاقی خوب کمک کند.

## ۱-۵. ضرورت‌های اخلاق سیاسی حرفه‌ای در ایران

برخی مفاهیم اخلاق سیاسی حرفه‌ای در ادبیات سیاسی امروز ما وجود دارد؛ اما باید تعریف، مرزبندی و تمایز این مفاهیم از یکدیگر دقیقاً مشخص شود. بحث تقوای سیاسی از این نمونه‌هاست. آیت‌الله خامنه‌ای شرط ورود به مسائل سیاسی را تقوای سیاسی می‌داند. «تقوای سیاسی یعنی هرکس که در کار سیاست است سعی کند با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کند، سیاست به معنای هم‌اندازی و فریب و دروغ‌گفتن به افکار عمومی مردم، مطلوب اسلام نیست، سیاست یعنی اداره درست جامعه؛ این جزء دین است، تقوای سیاسی یعنی انسان در میدان سیاست صادقانه عمل کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱). برخی مصادیق اداره درست جامعه و صادقانه عمل کردن عبارت است از: قدرت را به‌مثابه امانت دانستن، انگیزه خدمت داشتن به جای ریاست‌کردن، پایبندی به عهد و پیمان، نفی حيله و نیرنگ، عدم استفاده از کلمات موهن و سخیف از جمله مؤلفه‌های سیاست اسلامی. به همین ترتیب، این مؤلفه‌ها باید به‌درستی تعریف شود و مرز مفهومی آن از سایر مفاهیم مشخص شود. برای نمونه میان اتهام‌زدن و شفاف کردن امور تفاوت وجود دارد. «شفافیت معنایش این است که مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به‌طور واضح در اختیار مردم قرار دهد... اما اینکه ما بیاییم این و آن را بدون اینکه اثبات شده باشد، بگیریم زیر بار فشار تهمت و چیزهایی را به آن‌ها نسبت بدهیم که ممکن است در واقع راست باشد، اما تا مادامی که ثابت نشده است، ما حق نداریم آن را بیان کنیم؛ این آن را متهم کند، آن این را متهم کند. از رسانه بیگانه (رسانه مغرض انگلیس) برایش شاهد بیاوریم، بعد هم یک نفر از آن طرف پیدا بشود و کل نظام را به اموری که شایسته نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی شانس بسیار بالاتر است از این چیزهایی که بعضی به نظام اسلامی نسبت می‌دهند، متهم بکنند، این اشکال بر آن‌ها بیشتر هم وارد است. تهمت‌زدن به یک شخص گناه است، تهمت‌زدن به یک نظام اسلامی، به یک مجموعه، گناه بسیار بزرگ‌تری است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸). این تمایزگذاری مفهومی باید به‌درستی نشان داده شود. یکی از وظایف اخلاق سیاسی حرفه‌ای تعریف دقیق و نشان دادن تمایزات مفهومی مفاهیم اخلاقی در حوزه سیاست است.

مسئله بعد این است که باید معیارهایی مشخص شود که براساس آن‌ها اولویت‌ها را مشخص

کرد. آیا بیان مطلبی که سبب بدبینی و بددلی می‌شود، با این استدلال که باید به نشر حقایق پرداخت، ولو حقیقتی که هنوز کاملاً درست و نادرستش معین نشده است، درست است یا اینکه نباید مردم را بدبین و بدگمان کرد. اولویت ارزشی ما کدام است؟ حسن ظن مردم و سردرگم نشدن آن‌ها و یا نشر آزادانه مطالب به هر قیمتی؟ به عبارتی، همان سؤال معروف به میان می‌آید که اولویت با امنیت است یا آزادی؟

تفکیک بین آرمان‌ها و واقعیات نکته مهم دیگر در اخلاق سیاسی است. ما آرزوی جامعه‌ای کاملاً اخلاقی و دارای رشد معنوی را داریم. میراث فرهنگی بسیار غنی فلسفی، عرفانی و ادبی در زمینه اخلاق برجای مانده است و نویسندگان و شخصیت‌های فرهنگی بزرگی نیز در جامعه داریم. رسانه‌های ما نیز به نشر این مباحث می‌پردازند. اما آیا این به معنای اخلاقی بودن جامعه است؟ در چه حدی باید از جامعه انتظار داشت؟ جامعه‌ی رشدیافته چه حدی از رشد را دارد؟ کاربرد ادبیات اخلاق فضیلت‌گرا چه نسبتی با اخلاق سودگرا داشته باشد؟ تا چه حد به اخلاق سودگرا اجازه جولان بدهیم؟

اینکه چگونه بتوانیم مرز توطئه و شایعه‌پراکنی را از مرز آزادی بیان و نشر حقایق جدا کنیم نیز یکی از چالش‌های اخلاق سیاسی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی است. آیت‌الله خامنه‌ای در صحبتی بیان کرده است که «...شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی درست نیست. انسان می‌بیند صریحاً و علناً به مسئولان کشور - کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند - تهمت می‌زنند، نسبت به این‌ها شایعه‌سازی می‌کنند؛ فرق هم نمی‌کند، چه رئیس‌جمهور باشد، چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوه قضاییه باشد؛ این‌ها مسئولان کشورند. مسئولان کشور کسانی هستند که زمام یک کاری به این‌ها سپرده است؛ مردم باید به این‌ها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه‌پراکنی کرد. دشمن این را می‌خواهد؛ دشمن می‌خواهد شایعه‌پراکنی کند؛ می‌خواهد دل‌ها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسئولان بدبین کند. این‌ها شفافیت نیست؛ کدرکردن فضا است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

چگونه می‌توان صداقت را از توطئه تشخیص داد؟ اصل بر حقیقت است یا همیشه باید احتیاط کرد و با تردید نگرست؟ به نظر می‌رسد بحث از بصیرت که مدتی به‌طور ویژه در ادبیات سیاسی ایران رواج یافت، اشاره به این مطلب دارد. نوعی هشیاری، بیدارگری و مراقبت به‌طور هم‌زمان در این واژه وجود دارد. یعنی اگر قرار است انتقادی نیز صورت گیرد با بصیرت همراه باشد. به عبارتی، آب به آسیاب دشمن نریختن یکی از مؤلفه‌های اخلاق سیاسی در ایران کنونی است.

جایگاه رجال سیاسی و اجتماعی در میان آحاد جامعه از دو نظر قابل تأمل است. نخست آنکه ادبیات، گفتار و رفتارهای سیاسیون ما بیش از ادبیات سایر مردم در رسانه‌ها منعکس می‌شود و تکرار آن‌ها هم به تدریج «فرهنگ خاصی» را در میان افراد عادی ایجاد می‌کند. دوم اینکه مردم خواه‌ناخواه به افرادی که در رده‌های بالای سیاسی فعال هستند به‌عنوان یک الگو نگاه می‌کنند؛ چراکه جایگاه آن‌ها با افراد عادی فرق می‌کند و به مرور زمان در شخصیت مردم غالب می‌شود و در رفتارهای مردم و اخلاقیات آن‌ها بروز پیدا می‌کند؛ از این رو، تأکید می‌شود که تا حد امکان از تخریب چهره‌هایی که الگوی اخلاق سیاسی در نظر مردم هستند پرهیز شود.

در کنار پرهیز از تخریب بزرگان سیاسی، باید از مقدس کردن آن‌ها نیز پرهیز کرد. تقدیس افراد نیز به همان اندازه تخریب می‌تواند آسیب برساند.

مسئله دیگر این است که پس از اینکه مشخص شد برخی سیاسیون اقدام به اتهام‌زدن، شایعه‌پراکنی، دروغ و تهمت کرده‌اند، مجازات آن‌ها چیست؟ روشن است که عمل غیراخلاقی از سوی سیاسیون ما تأثیری متفاوت با تأثیر عمل غیراخلاقی یک شهروند عادی دارد. بی‌اخلاقی سیاسیون می‌تواند به یک سبک رفتاری در جامعه تبدیل شود؛ بنابراین، حتماً باید عواقب بر آن مشخص کرد. علاوه بر آن باید پاسخ بی‌اخلاقی را داد و به‌طور شفاف توضیح داد که چه کاری صورت گرفته است و سرانجام آن چیست تا جامعه دچار سردرگمی و انزوا نشود.

اینکه چگونه می‌توان میان اهداف و منافع حزبی و جناحی و منافع کلان ملی جمع زد، بحثی مهم است. محدودشدن در فضای محدود جریان‌های سیاسی، بازار اتهام‌زنی و خرده‌گیری را گرم می‌کند و مردم را از حکومت دور و گریزان می‌کند. اگر جرمی صورت گرفته است باید به روش صحیح بدان پرداخت تا گناهکار تاوان گناهِش را بدهد، اما باید از اتهام‌زدن و اشاعه گناه و خیال‌پردازی در این زمینه اجتناب شود. هر کس باید مسئولیت کار خود را بپذیرد و تقصیرها را گردن دیگران نیندازد. بحث دیگری که در مورد اخلاق سیاسی در جمهوری اسلامی ایران باید در نظر داشت، نشان‌دادن تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست و اخلاق است. بی‌تردید اخلاق سیاسی در حکومتی که پس از انقلاب اسلامی بر سر کار می‌آید با سایر رژیم‌ها متفاوت است. تأثیرات خاص انقلاب اسلامی بر اخلاق سیاسی ما چه بوده و چه تحولی در آن ایجاد کرده است. انقلاب اسلامی ایران چه شروع جدیدی در بحث اخلاق سیاسی ایجاد کرد و چگونه می‌توان آن را حفظ کرد و تداوم بخشید.

بحث از اخلاق سیاسی با توجه به تأثیر انقلاب اسلامی به معنای دستیابی به نظریه اخلاق



سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است. به نظر نگارنده، اخلاق سیاسی ما بر چهارچوب اخلاق فضیلت‌مدار و با توجه به ملاحظات اخلاق حرفه‌ای باید چیده شود. این نظریه ارتباط زیادی با نظریه دولت در جمهوری اسلامی ایران دارد و در مدار آن طراحی می‌شود.

در بحث از اخلاق سیاسی، امروزه نهاد سیاسی به‌عنوان نهادی در کنار دیگر نهادها، همچون سلامت و بهداشت و تعلیم و تربیت مطرح می‌شود که دارای حرفه و وظیفه خاص خود است و می‌تواند و باید از اخلاق حرفه‌ای برخوردار باشد. از دهه ۱۹۷۰ میلادی که مسائل اخلاق کاربردی مورد بحث جدی قرار گرفت، بحث از اخلاق سیاسی نیز در کشورهای غربی مطرح شد.

## ۶. نتیجه‌گیری

اخلاق سیاسی مطلوب نظام سیاسی ما چیست و چگونه می‌توان بدان دست یافت. این پرسش اصلی نوشته حاضر است. برای پاسخ به این پرسش، از وضعیت موجود نظام سیاسی چه در واقعیت و چه در نظریه مطلوب آن بحث شد و سپس تلفیقی میان اخلاق سیاسی مطلوب ما و نظریات جدید اخلاقی به‌میان آمد تا ضمن رفع نقایص اخلاق سنتی، ظرفیت‌های مطلوب آن نیز بیشتر مورد استفاده قرار گیرد.

اخلاق فضیلت‌گرای اسلامی با قرارگرفتن در چهارچوب اخلاق حرفه‌ای می‌تواند کارآمدتر عمل کند؛ در واقع، اخلاق فضیلت‌گرایانه بعد محتوایی و اخلاق حرفه‌ای بعد شکلی اخلاق سیاسی را تشکیل خواهند داد و اخلاق فضیلت‌گرا از حالت فردی و غیر نظارتی خارج می‌شود و تحت ضوابط و مقرراتی درمی‌آید که حقوق شهروندان بیش از گذشته رعایت شود.

این چیزی است که نگارنده تاکنون از مطالعه در کتب و مقالات اخلاق حرفه‌ای و اخلاق حرفه‌ای سیاسی بدان دست یافته است؛ اما راه دقیق‌تر فهم این مطلب تمرکز بر برخی مسائل عینی اخلاقی معاصر در حوزه سیاست است تا به‌طور عملی شیوه تصمیم‌گیری و ارائه راه‌حل بررسی و براساس عواقب و نتایج آن قضاوت شود.

## کتابنامه

۱. امام خمینی، روح‌الله. ۱۳۶۱. صحیفه امام. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
  ۲. \_\_\_\_\_ . ۱۳۶۹. صحیفه انقلاب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
  ۳. \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۱. شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
  ۴. خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۹۰. «خطبه‌های نماز جمعه تهران». سایت <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>
  ۵. \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۱. «بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه». ۱۳۸۱/۰۵/۵. [farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1009&npt=1](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1009&npt=1)
  ۶. \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۸. «حقوق افراد در رسانه‌ها». ۱۳۸۸/۰۶/۲۹. سایت <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22977>
  ۷. خزایی، زهرا. ۱۳۸۶. «اخلاق کاربردی: ماهیت، روش‌ها و چالش‌ها». پژوهش‌های فلسفی کلامی. دوره ۹. پاییز. شماره ۳۳.
  ۸. ریچلز، جیمز. ۱۳۸۸. فلسفه اخلاق. ترجمه آرش اخگری. تهران: حکمت.
  ۹. قراملکی، احد. ۱۳۹۷. درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای. قم: مجنون.
  ۱۰. کیخا، نجمه. ۱۳۹۶. «سیاست اخلاقی در اندیشه امام خمینی». فصلنامه اندیشه سیاسی اسلام. زمستان. شماره ۱۴.
  ۱۱. \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۷. مناسبات اخلاق و سیاست در حکمت متعالیه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
  ۱۲. محمودیان، محمدرفیع. ۱۳۸۰. اخلاق و عدالت. تهران: طرح نو.
  ۱۳. میرخلیلی، سید جواد. ۱۳۹۷. انقلاب اسلامی و توسعه علوم انسانی و اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
  ۱۴. نیگل، تامس. ۱۳۹۳. اخلاق‌شناسی. ترجمه جواد حیدری. تهران: نگاه معاصر.
  ۱۵. هارت، هربرت. ۱۳۹۷. قانون، آزادی و اخلاق (درآمدی به فلسفه حقوق کیفری و عمومی). ترجمه محمد راسخ. تهران: نشر نی.
16. Walzer, Michael. 1973. "the Problem of Dirty Hands". *Philosophy & Public Affairs*. Vol. 2. No. 2 (winter).